

عوامل موثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

سید خلیل حسینی^۱، حبیب صبوری خسروشاهی^۲، سعید معدنی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مختلف موثر در گرایش نخبگان و متخصصان به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته انجام شده است. روش مطالعه در این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه اجرا، همبستگی از نوع توصیفی - پیمایشی می باشد. مهاجرت نخبگان فرهنگی به کشورهای توسعه یافته همواره یکی از مسائل مهم در جامعه بوده است بطوریکه در دهه های اخیر این پدیده تشدید شده است با توجه به نقش نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده در توسعه و پیشرفت جامعه اهمیت آن بیش از پیش آشکار می شود این پژوهش تلاش کرده است ابتدا، گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت را بررسی و در مرحله بعد به علل و عوامل موثر به آن بپردازد با استفاده از نظریه ها و رویکرد های متفاوت از جمله نظریه های جاذبه و دافعه، جهانی شدن، چرخش مغزها، نظریه مهاجرت بین المللی نیروی انسانی به تبیین این پدیده پرداخته شده است. تاکید این پژوهش بر روی نظریه جاذبه و دافعه بوده است و نهایتاً چهار چوب نظری در ابعاد چهار گانه نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پارسنزی دیده شده است روش تحقیق کمی با محوریت پیمایش اجتماعی بوده است در این روش با انتخاب دانشگاه های دولتی و آزاد در سطح تهران و بصورت تصادفی با ۴۰۵ نفر با استفاده از پرسشنامه ساختارمند متغیرهای تحقیق بررسی شده است. آزمون روایی و پایایی انجام شده مورد قبول بوده است. یافته های تحقیق نشان می دهد گرایش نخبگان به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته در حد بالا وجود دارد و به ترتیب عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه مباد بسیار موثر بوده است. ضریب تعیین چند گانه نشان می دهد ۲۳ درصد علل مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته از ترکیب ابعاد چهار گانه جامعه مباد و مقصد تشکیل شده است.

واژگان کلیدی: گرایش به مهاجرت، نخبگان فرهنگی، جاذبه و دافعه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: Samanhosseini1971@gmail.com)

^۲ استادیار، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: HabibSabouri@hotmail.com)

^۳ استادیار جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: maadani25@yahoo.com)

مقدمه

مهاجرت نخبگان و متخصصان جوان یکی از رویکردهای اساسی موانع توسعه در جوامع در حال رشد و به عنوان یک پدیده بین المللی در جوامع امروزی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. گرچه مسأله مهاجرت متخصصان علمی یک پدیده نوظهوری در جوامع امروز نمی باشد ولی به جهت ابعاد گسترده ای که در دهه های اخیر در روند توسعه به خود گرفته است از جنبه های مختلفی قابل کنکاش و مطالعه می باشد به طوریکه علیرغم فرار مغزها در دهه های اخیر و عصر توسعه نرم افزارها که میل به هماهنگی و همسوئی و شکستن مرزهای بین المللی دارد و هر کس فراخور حال و شرایط خود می تواند در این توسعه جهانی سهمی داشته باشد و متناسب با اندیشه ها و استانداردهای فرهنگی خود با دنیای بیرون و جهان اندیشه ها ارتباط برقرار کند. قرار گرفتن برخی کشورها در مسیر توسعه زمینه ساز مهاجرت متخصصان را فراهم نموده است و عوامل کشتی "جاذبه های خارجی" و عوامل رانشی "دافعه های داخلی" زمینه ساز "فرار مغزها" را فراهم نموده است. مهاجرت سرمایه های انسانی از مسائل و دشواریهای مهم کشورهای توسعه نیافته می باشد و در سالهای اخیر خروج نخبگان تبدیل به بحران فرهنگی گردیده است، نخبگانی که می توانستند با توجه به ظرفیت بالقوه در خدمت ساختارهای مورد نیاز جوامع توسعه نیافته شکوفا شده و مورد بهره برداری قرار گیرند.

بیان مسأله

جامعه ایران در طی دهه های اخیر در معرض تحولات زیادی قرار گرفته است. یکی از مهم ترین تحولات مهاجرت نخبگان از کشور بوده است. نخبگان افرادی هستند که صاحبان فکر، شخصیت و توانایی های وسیع فکری و سازماندهی بالا می باشند و در این خصوص اندیشه، فکر، روش های بهینه تئوری، آینده نگری و دوراندیشی تولید می کنند. بر اساس گزارشات صندوق بین المللی پول، بیکاری، سطح پایین درآمد اساتید و نخبگان، نارسایی مالی و اداری، کمبود امکانات تخصصی علمی و بی ثباتی از جمله دلایل مهاجرت ایرانیان است، در دهه های گذشته آمار مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور به شدت افزایش یافته است. تعداد مهاجران تحصیل کرده ایرانی هم مانند دیگر کشورها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ افزایش زیادی داشته است. آمار و ارقام های ارایه شده حاکی از اهمیت این پدیده است بطوریکه توجه مسولان را نیز به خود جذب کرده است. مهاجرت نخبگان ریشه در برخی از سازو کارهایی دارد. همواره جامعه ایران با فشارهای درونی و بیرونی مواجهه بوده است که این عوامل در حوزه های اقتصادی؛ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر نخبگان فرهنگی تاثیر بسزایی داشته است. این عوامل تاثیر گذار زمینه ساز مهاجرت بوده است. مهاجرت فزاینده نخبگان ایرانی توجیه گر ضرورت و اهمیت مطالعه این پدیده می باشد. این پژوهش تلاش کرده است به دو سؤال محوری پاسخ دهد. اول اینکه گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته چقدر است و در مرحله دوم چه علل و عواملی در مهاجرت آنان موثر است.

مبانی نظری

ادبیات تحقیق در زمینه مهاجرت بالاخص مهاجرت نخبگان نسبتاً غنی و حاکی از اهمیت موضوع می باشد. این پدیده از جنبه ها و ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه مطالعات فراوانی در ایران و جهان در خصوص عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان علمی انجام شده است که از جمله می توان به؛ جواهری و سراج زاده ۱۳۸۴؛ صالحی عمران، ۱۳۸۵؛ ارشاد و حمایت خواه جهرمی، ۱۳۸۶؛ عسگری و دیگران، ۱۳۸۷؛ فرتوک زاده و اشراقی، ۱۳۸۷؛ طالبی زیدی و رضایی، ۱۳۸۹؛ حاتمی و دیگران، ۱۳۹۱؛ پناهی، ۲۰۱۲؛ مک اوسلند و کوهن، ۲۰۱۰؛ بنگ و میترا، ۲۰۱۱؛ بندیکت و اوکیپر، ۲۰۱۲؛ ریبارو و دیگران، ۲۰۱۳؛ لی و مون، ۲۰۱۳ و انگوما واسماعیل؛ ۲۰۱۳ و ... اشاره کرد. این مطالعات عموماً دیدگاه خود نخبگان علمی در خصوص تمایل یا چرایی مهاجرت و علل و انگیزه های اجتماعی موثر بر گرایش به مهاجرت را مورد مطالعه قرار داده اند.

پدیده مهاجرت مقوله ای است که در بسیاری از دیدگاهها و مکاتب مورد بحث قرار گرفته است. برخی از نظریه پردازان مهاجرت همچون دهاس معتقدند بیشتر تئوری های مهاجرت بینش جامعی را در حوزه ی اثرات مهاجرت در توسعه، علی الخصوص اثر آن

بر کشورهای در حال توسعه، ارائه نمی نمایند و تنها به ارائه اثرات ناهمگون و التقاطی بسنده می کنند، گروه هایی آن را پدیده مثبت و موثر در توسعه معرفی می نمایند. همچون کارکرد گرایان، توسعه گرایان، نئو کلاسیک ها و نظریه پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه پردازان نیز آن را منفی برمی شمارند از قبیل نئو کلاسیکها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم های جهانی به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می گردد. در این قسمت بطور مختصر مهم ترین نظریات واررسی و ارایه شده است.

نظریه محرومیت نسبی بر اساس مقایسه افراد با دیگران بنا شده است. مطابق این نظریه، استارک (۲۰۰۲) معتقد است خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدها فعالیت می کنند، بلکه می خواهند درآمدها را نسبت به درآمد دیگران در اجتماع ترفیع دهند، اگر خانوارها درآمدها پایین باشد به طور نسبی و مطلق احساس محرومیت می کنند و در نتیجه انگیزه مهاجرت به همان میزان بالاتر خواهد رفت و مهاجرت پاسخی نهایی به محرومیت نسبی است و چون منابع لازم برای رفع محرومیت در خارج از سازمان اجتماعی وجود دارد، افراد گزینه مهاجرت را انتخاب می کنند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳).

نظریه چرخش مغزها از جمله نظریاتی است که پدیده مهاجرت نخبگان را مورد توجه قرار داده است. این اصطلاح توسط افرادی چون جانسون - ری گنز به کار برده شده است. اساس مفهوم چرخش مغزها، منشعب از دیدگاه طرفداران توسعه پایدار و فراگیری و پیوستگی بسترهای مستعد توسعه در تمامی جوامع بشری بطور خلاصه این نظریه به حرکت و سیر نخبگان در نقاط مختلف تمدنی جهان حرکتی طبیعی و ضروری برای توسعه اشاره داشته است، در واقع، فرد متخصص به خارج از کشور مهاجرت کرده، مطالعه و تحصیل می کند، بر تجربه کاری خود می افزاید و در نهایت با اندوخته و اطلاعات بیشتری نسبت به قبل آنها را در کشور خود به کار می بندد. و هر مکانی که زمینه مناسب تری را مهیا نماید، طبیعتاً جذابیت های بیشتری برای حضور نخبگان خواهد داشت (Leskrooff, 1996).

در کنار نظریه چرخش مغزها، نظریه جهان گرا یا بین المللی مهاجرت مطرح شده است این الگو که به الگوی جهان گرا یا بین المللی معروف است و توسط جانسون مطرح گردید، فرار مغزها منعکس کننده عملکرد بازار بین المللی برای یکی از عوامل خاص تولید یعنی سرمایه انسانی است. در این الگو، سرمایه انسانی همانند سرمایه فیزیکی از مناطق یا مشاغلی که دارای بازده پائین تری است خارج شده و به قسمت مناطق یا مشاغلی که دارای بازدهی بیشتری است جریان می یابد. این الگو می گوید: انتقال تخصص دارای سود دو طرفه، هم برای کشور میزبان و هم برای کشور فرستنده است و می باید سیاست عدم مداخله دولت در کارکرد مهاجرت، یعنی سیاست عدم مداخله در مهاجرت دنبال شود (لهسائی زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۶). طبق این نظریه مهاجرت بین المللی نیروی انسانی ماهر از دیدگاه بین المللی موجب افزایش منافع تولید جهانی خواهد شد. گرچه ممکن است مهاجرت بین المللی نیروی انسانی نخبه به زیان کشور مادر باشد ولی مهاجرت بین المللی نیروی متخصص موجب افزایش منافع جهانی خواهد شد. نظریه سوم، نظریه وابستگی است. این نظریه که بر اساس نظریه های مارکسیستی پایه گذاری شده است، علت مهاجرت را به وابستگی گذشته آنها و اثرات استعمار نسبت داده اند. والرشترین پدیده مهاجرت را در سطح بین الملل بررسی کرده و معتقد است فرآیند جهانی شدن و افزایش تعاملات منجر به مهاجرت اقتصادی مهاجران از بخش های کم توسعه به مناطق پر رونق شده است. بر پایه این دیدگاه پدیده مهاجرت متخصصان به عنوان شکار مغزها یاد شده است. در این نظریه با تاکید بر شیوه های تولیدی و مسائل مربوط به توسعه نظام سرمایه داری و در اوج خود امپریالیسم، چگونگی و علل خروج متخصصان از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته بیان شده، در این نظریه علت مهاجرت نخبگان به عوامل برون زا نسبت داده شده است (جعفری معطر، ۱۳۸۷).

از یک نگاه دیگر، پدیده مهاجرت را میتوان در چارچوب فرآیند عدم تعادل بین نهادهای مختلف فرهنگی، آموزشی، اقتصادی نیز بررسی کرد. فرآیند مهاجرت نخبگان در طول زمان منجر به عدم تعادل ساختی در نظام آموزشی خواهد شد و این خود، سایر

نهادهای اقتصادی و سیاسی را دچار عدم تعادل خواهد کرد. کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته عمده ترین کشورهای برطرف کننده نیازهای اولیه کشورهای توسعه یافته اند. در واقع، نیروی کار کشورهای اقماری و توسعه نیافته در خدمت این کشورها قرار دارد. قشر تحصیل کرده و نخبگان جهان سوم پس از فراغت از تحصیل به دلیل عدم تناسب تحصیلات و دانش فنی آنان با وضعیت موجود در کشور تمایلی زیادی به مهاجرت پیدا می کنند. بدین سان، عدم تعادل ساختار نظام آموزشی جهان سوم، ناخواسته پدیده «فرار مغزها» را موجب می شود از آنجاییکه امکان و زمینه تحقیق و پژوهش در کشورهای توسعه یافته فراهم است، محققان و نخبگان سراسر دنیا را به خود جذب می کنند، زمینه توسعه و پیشرفت پیش از پیش آنان را فراهم ساخته، شکاف و فاصله بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته را هر روز عمیق تر می سازند و موجب تشدید عدم تعادل در زمینه های اقتصادی و اجتماعی در کشور مبدا می شود.

لیکن از رویکرد نوگرایی پدیده مهاجرت نخبگان به گونه دیگر تفسیر و تحلیل شده است. نظریه نوگرایی با ترسیم تغییرات جهانی شدن و تعاملات فردی، و تحلیل انگیزه های مهاجران مسئولیت بیشتر را متوجه مهاجران نموده و این نخبگان با بهره مندی از سرمایه های فرهنگی و انسانی بالا و همسو با ارزشهای رشد و رقابت جویی تمایل به انتخاب و حفظ شیوه های ویژه برای زندگی دارند و تعلق به ارزشهای جهان وطنانه می تواند توضیح دهنده انگیزه ها و کنش ها و فرآیندهای مهاجرتی نخبگان باشد (Payk, 2001). بوریس و همکاران مدل فرهنگ پذیری تعاملی را مطرح کردند که یک چارچوب فراگیر و سودمندی را مدنظر قرار می دهد که بیشتر با عنوان نظریه فرهنگ پذیری تعاملی بوریس شناخته شده است. تاکید این مدل هم بر نقش انتظارات فرهنگ پذیری جامعه میزبان بوده و هم به جهت گیری های فرهنگ پذیری که توسط مهاجران اتخاذ می شود. براساس این مدل ممکن است اعضای جامعه میزبان پنج رویکرد فرهنگ پذیری را نسبت به مهاجران اعمال کنند: یکپارچگی، جداسازی، همانند گردی، حصر گرایی و فرد گرایی. به عقیده بوریس استراتژی یکپارچگی رویکردی انطباق پذیر است که شهروندان جامعه میزبان معتقدند مهاجران شایستگی این را دارند که به طور همزمان، هم میراث فرهنگی خودشان را حفظ کنند و هم جنبه هایی از فرهنگ ملی جامعه مقصد را اتخاذ کنند. آنهایی که از این استراتژی حمایت می کنند، معتقدند که جامعه با یک تکامل تدریجی به سوی چندفرهنگی شدن به پیش می رود. (Oudenhoven, 2006). به اعتقاد بوریس فرآیند فرهنگ پذیری نباید تنها بر اساس تجربیات مهاجران مورد بررسی قرار گیرد بلکه ما باید تغییرات این فرآیند را در تعاملات و برخوردهای دوجانبه بین هر دو گروه در نظر بگیریم. همچنین باید پیامدهای روابط بین گروهی و میان فردی را که حاصل امتزاج فرهنگ مهاجر و میزبان هر دو با یکدیگر است را نیز در نظر داشته باشیم، و بنابراین فرآیندها باید در یک زمینه بین فرهنگی در نظر گرفته شوند (Bourhis, 1997).

یکی از مهم ترین نظریاتی که پدیده مهاجرت را به خوبی تبیین کرده است، نظریه جاذبه و دافعه اورت لی می باشد. بر اساس این نظریه افراد مهاجر غالباً تحت تأثیر عوامل جاذب نقاط مهاجرپذیر به عبارتی خاستگاه و عوامل دافع نقاط مهاجر فرست به عبارتی، کوچگاه اقدام به مهاجرت می کنند و مجموعه ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون مرزی و برون مرزی، منجر به روند رو به تغییر و گسترش و تداوم مهاجرت نیروهای متخصص کشور می شوند. اورت لی نظریه خود را با ارائه تعریف وسیعی در حوزه مهاجرت تفسیر می کند به طوری که مهاجرت را تغییری دائمی یا تقریباً دائمی محل اقامت می داند و معتقد است عواملی در تصمیم گیری مهاجرین برای مهاجرت وجود دارد که می توان به عوامل مرتبط با کشور مبدا مهاجرت و عوامل مرتبط با کشور میزبان یا مقصد مهاجرت اشاره کرد. اورت لی معتقد است هر یک از مناطق و کشورها دارای عوامل مثبت و منفی و خنثی هستند که مردم را از آن محل دور، جذب و یا بی تفاوت می کند و اثر هر یک از این عوامل بنا بر شخصیت و خصوصیات فردی شامل سن و تحصیلات و سطوح مهاجرت و ... متفاوت خواهد بود به نظر لی عواملی وجود دارد که اکثر مردم نسبت به آنها واکنش یکسانی دارند نظیر دستمزد بالا - فرصت های شغلی بیشتر - تسهیلات رفاهی بهتر. با بهره گیری از این نظریه عوامل موثر رانشی و کششی را می توان تبیین کرد به طوریکه عوامل رانشی شامل شرایط نامطلوب اقتصادی و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و

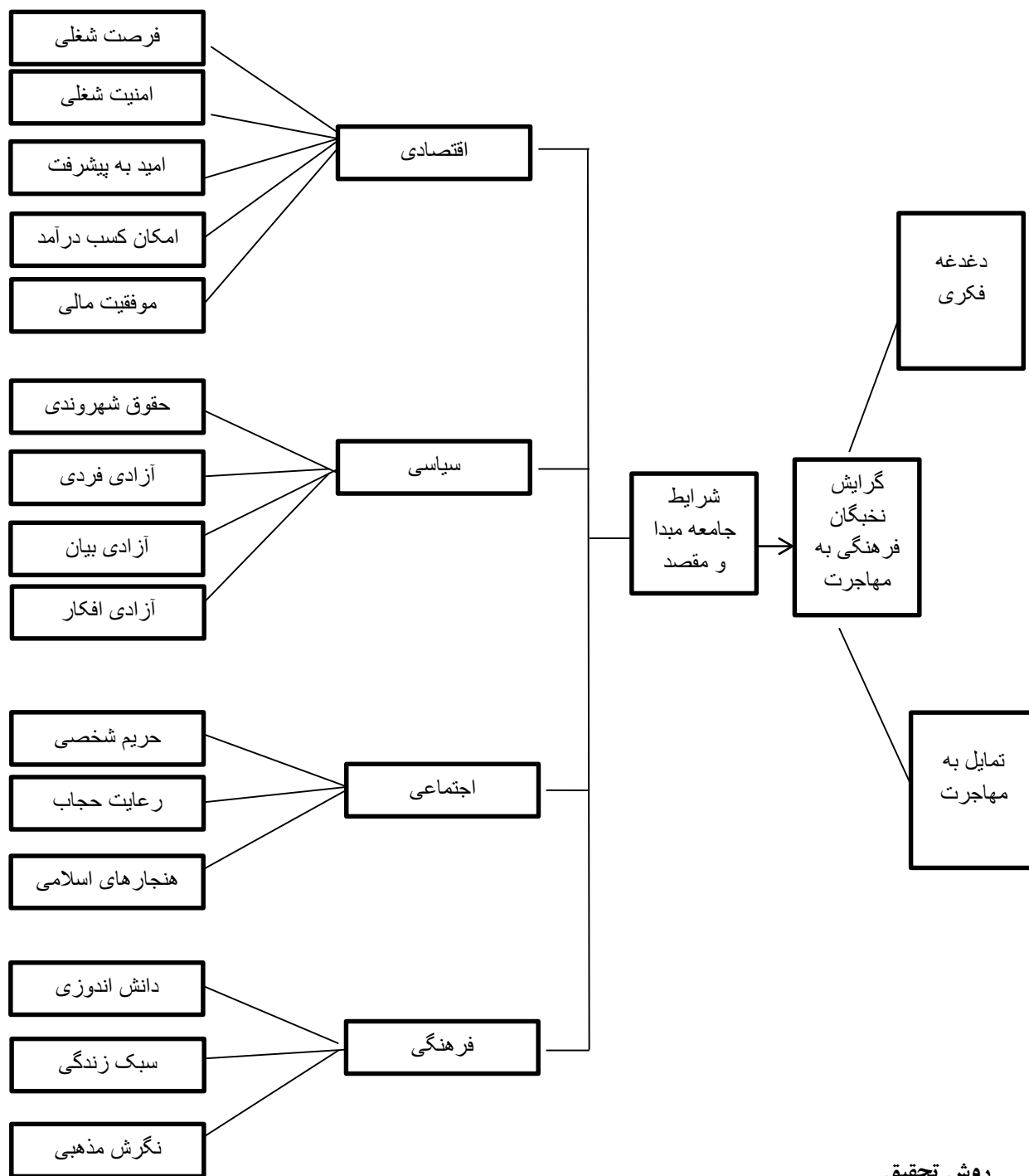
کم توجهی به امور پژوهش و رقابت پذیری در سطوح پائین و عدم انطباق سطح استانداردهای زندگی با معیارهای جهانی، بحران اشتغال و پائین بودن سطوح دستمزدها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، رشد جمعیت کشور، ضعف سیستم آموزشی در دانشگاهها، پائین بودن سطح تکنولوژی، عدم برنامه ریزی در جذب نخبگان، کاهش شأن و منزلت اجتماعی و وضعیت اجتماعی زنان می باشد و عوامل کشتی به شرح، امید به آینده بهتر، امکانات صنعتی کشورهای توسعه یافته، دسترسی به فرصت های آموزشی بهتر، درآمد بالاتر فعالیت های پژوهشی، جذابیت زندگی مدرن، دسترسی آسان به فرصت های شغلی، میل به ثبات سیاسی و اجتماعی، کاهش فاصله اطلاعاتی و جهانی شدن، می باشد. به نظر می رسد نظریه جاذبه و دافعه قابلیت بیشتری در تحلیل مهاجرت نخبگان دارد (مقدس و شرفی، ۱۳۸۸).

در جمع بندی کلی می توان گفت، پدیده مهاجرت همواره مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان بوده است این پدیده با توجه به ابعاد مختلفی که داشته از رویکردهای متفاوتی به آن نگریسته شده است. برخی از رویکردها همگرا و برخی از رویکردها واگرا بوده اند. از طرفی تعدادی از رویکردها در سطوح مختلف این پدیده را بررسی کرده اند بعنوان مثال برخی از رویکردها از شرایط جامعه مبدا را بررسی کرده اند و از طرف برخی از نظریه ها معطوف به شرایط جامعه مقصد بوده است. و الی شتاین پدیده مهاجرت را در سطح بین المللی بررسی کرده و معتقد است فرآیند جهانی شدن و افزایش تعاملات منجر به مهاجرت اقتصادی مهاجران از بخش های کم توسعه به مناطق پر رونق شده است. اورت اس لی مهاجرت را در چار چوب جاذبه و دافعه جامعه مبدا و مقصد بررسی کرده است. او معتقد است مجموعه ای از محیط درون مرزی و برون مرزی به عنوان عوامل رانشی و کششی منجر به گسترش و تداوم نیروهای متخصص از کشورهای مبدا به مقصد می شود. جانسون از منظر رویکرد ملی گرا به پدیده مهاجرت نگریسته است. اورت اس لی معتقد است توسعه هر کشوری منوط به برخورداری از سرمایه های انسانی است که شکاف میان کشور های توسعه یافته و کمتر توسعه یافته منجر به فرار نیروی انسانی و مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته می شود. بر اساس مبانی نظری و چار چوب نظری تحقیق، گرایش نخبگان به مهاجرت مبتنی به نظریه جاذبه و دافعه بوده است. بیشترین تاکید بر علل و عوامل رانشی و کششی محیط درون و برون مرزی را اساس قرار داده است. با توجه به اینکه اکثر نظریات در سطوح و ابعاد مختلف به پدیده مهاجرت پرداخته اند، در این تحقیق تلاش شده است جهت انسجام بخشیدن به متغیرها و مولفه های تحقیق ابعاد مختلف را در یک چارچوب مشخص ترکیب کند. لذا گرایش نخبگان به مهاجرت در ابعاد چهار گانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیده شده است. این چارچوب با ترکیب علل و عواملی که در مبانی نظری ارائه شده را در قالب ایده نظام اجتماعی پارسونز در چهار خرده نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیده است که هر یک از خرده نظام ها در ارتباط با یکدیگرند بعبارتی یک نظام پویا در جهت پاسخگویی به نیاز های یک سیستم اجتماعی اند که می بایست نیاز های کنشگران را بر آورده کند. این تحقیق تلاش کرده است فرضیات تحقیق را در ابعاد چهار گانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مبدا و مقصد ببیند. مدل نظری تحقیق نیز بر اساس این چهارچوب تدوین و ارائه شده است.

مدل نظری تحقیق

بر اساس مدل نظری تحقیق فرضیات اساسی استنتاج شده است. فرض اساسی این پژوهش این است که مهاجرت نخبگان فرهنگی تابعی از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و جامعه می باشد:

- عدم موفقیت مالی و اقتصادی نخبگان فرهنگی بر مهاجرت نخبگان موثر است.
- نگرش سیاسی نخبگان فرهنگی بر مهاجرت نخبگان مؤثر است.
- نگرش اجتماعی نخبگان فرهنگی بر مهاجرت نخبگان مؤثر است.
- ارزش های فرهنگی بر مهاجرت نخبگان مؤثر است.



روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کمی بوده است. در این روش وجه قالب، بصورت پیمایش اجتماعی است. طرح کلی این روش با تاکید بر طرح همبستگی بوده است. در این روش، وضع موجود بررسی می شود و به توصیف منظم و نظامدار وضعیت فعلی آن می پردازد و ویژگیها و صفات آن را، مطالعه و ارتباط بین متغیرها را بررسی می کند. قلمرو موضوعی تحقیق حاضر عوامل موثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته می باشد. قلمرو مکانی این پژوهش، مراکز علمی آموزشی شامل دانشگاه های دولتی و آزاد شهر تهران شامل دانشکده ها در رشته های مختلف بوده است. به لحاظ قلمرو زمانی داده های پرسشنامه در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ جمع آوری شده است. شیوه نمونه گیری بصورت تصادفی از فهرست دانشگاه ها نمونه مورد نظر انتخاب و حجم نمونه ۴۰۵ نفر بوده است. پرسشنامه پژوهش حاضر دارای ۴۸ سوال و گویه است که از متغیرهای گرایش نخبگان به مهاجرت

جامعه مبدا و مقصد در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، بعد فرهنگی و نگرش سیاسی تشکیل شده است. همچنین تعدادی سوال درباره انگیزه ها و متغیرهای زمینه‌ی را شامل شده است. سطح اندازه گیری پرسشنامه رتبه‌ی و فاصله‌ی و بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ی لیکرت دامنه و وزن گویه‌ها (۵ تا ۱) می‌باشد. این پرسشنامه توسط اساتید دانشگاهها و دانشجویان دوره دکتری و مدرسین دانشگاه مقطع کارشناسی ارشد تکمیل گردیده است. به منظور بررسی پایایی مفاهیم و شاخص‌های مورد نظر از آزمون ضریب آلفا کرونباخ استفاده شده است. دامنه این ضریب از صفر تا یک می‌باشد و حد قابل قبول ۰/۷۰ است. تمامی مفاهیم از ۰/۷۰ به بالا می‌باشد و مقیاس سازی این مفاهیم مورد قبول است. همچنین اعتبار پرسشنامه از نوع صوری بوده که مورد تایید صاحب نظران و متخصصین قرار گرفته است.

یافته‌ها

مشخصات پاسخگویان: از مجموع ۴۰۵ نفر پاسخگو، به لحاظ ترکیب جنسی، ۶۰ درصد مردان و ۴۰ درصد زنان می‌باشند. به لحاظ ترکیب سنی، ۱۸ درصد زیر ۳۰ سال، ۲۹ درصد ۳۱ تا ۴۰ و ۲۹ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۴ درصد ۵۱ سال بیشتر بوده است. کمترین سن ۲۷ و بیشترین سن ۶۳ سال و میانگین ۴۳ سال بوده است. و از نظر سابقه کار، ۶۷ درصد ۱ تا ۱۰ سال، ۲۰ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۱ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه کار داشته‌اند کمترین سابقه کار یکسال و بیشترین ۳۰ سال و میانگین آن ۱۰ سال می‌باشد. همچنین ترکیب وضعیت تاهل نشان می‌دهد؛ ۲۲ درصد مجرد و ۷۸ درصد متاهل می‌باشند. به لحاظ ترکیب درآمدی، ۳۶ درصد زیر ۳ میلیون تومان، ۵۵ درصد ۳ تا ۵ میلیون و ۹ درصد ۵ میلیون بیشتر در آمد داشته‌اند. حداقل درآمد ۲ میلیون و بیشترین درآمد ۶/۵ میلیون و میانگین ۳/۸ میلیون تومان بوده است. و در این میان ۸۲ درصد از میزان درآمد ناراضی و ۱۸ درصد از میزان درآمد رضایت داشته‌اند.

دیدگاه نخبگان فرهنگی نسبت به انگیزه‌های مهاجرت: از مجموع ۴۰۵ نفر پاسخگو ۷۱ درصد به انگیزه‌های اجتماعی، ۶۰ درصد به انگیزه‌های فرهنگی، ۴۹ درصد به انگیزه‌های اقتصادی و ۲۷ درصد به انگیزه‌های سیاسی اشاره داشته‌اند. از مجموع ۴۰۵ نفر پاسخگو ۹ درصد نخبگان فرهنگی در حد کم ۲۴ درصد در حد متوسط و ۶۷ درصد به دغدغه‌های فکری در زمینه مهاجرت اشاره کرده‌اند.

تمایل نخبگان فرهنگی به کشورهای مقصد برای مهاجرت: از مجموع ۴۰۵ نفر پاسخگو ۱۶ درصد مقصد مورد نظر نخبگان جهت مهاجرت کشور آمریکا ۱۵ درصد اروپا و ۱۳ درصد استرالیا و ۱۲ درصد آسیا و ۹ درصد به کانادا و ۳۵ درصد نیز بی‌پاسخ بوده است.

شاخص گرایش نخبگان فرهنگی نسبت به مهاجرات: شاخص کل گرایش نخبگان به مهاجرت از مجموع نمرات متغیر از دغدغه فکری مهاجرت و تمایل آنان به مهاجرت تشکیل شده است این شاخص نشان می‌دهد گرایش نخبگان فرهنگی نسبت به مهاجرت ۱۳ درصد کم، ۲۹ درصد متوسط و ۵۶ درصد در حد زیاد بوده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی شاخص کل گرایش نخبگان فرهنگی نسبت به مهاجرت

شاخص کل گرایش	خیل کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بی پاسخ	جمع
فراوانی	۹	۴۵	۱۱۷	۱۸۹	۳۶	۹	۴۰۵
درصد	۲	۱۱	۲۹	۴۷	۹	۲	۱۰۰

شاخص ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان فرهنگی نسبت به شرایط جامعه مبدا: همانطور که جدول ذیل نشان می‌دهد نگرش نخبگان فرهنگی در حوزه‌های چهار گانه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نسبت به جامعه مبدا از وضعیت پایینی برخوردار است.

جدول (۲): شاخص مرکزی و پراکندگی ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان فرهنگی نسبت به شرایط جامعه مبدا

ابعاد	حجم نمونه	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار
اقتصادی E1	۴۰۵	۵	۱	۵	۲,۳	۲	۲	۰,۹
سیاسی P1	۴۰۵	۴	۱	۵	۲,۲	۲	۱,۷	۰,۸
اجتماعی S1	۴۰۵	۳	۱	۵	۲,۶	۲,۳	۲,۷	۰,۸
فرهنگی C1	۱۰۵	۳	۱	۵	۲,۵	۲,۳	۲	۰,۹
جمع ابعاد چهار گانه EDSC	۴۰۵	۱۵	۱	۵	۲,۴	۲,۱	۱,۷	۰,۸

جهت سهولت تفسیر مجموع نمرات گویه ها تقسیم به تعداد گویه شده تا ارزیابی وزن طی بر اساس (۱ تا ۵) باشد.

شاخص چهار گانه گویه های نگرش نخبگان فرهنگی نسبت به شرایط جامعه مقصد: همانطور که جدول ذیل نشان می دهد نگرش نخبگان فرهنگی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نسبت به جامعه مقصد را وضعیت خوب ارزیابی کرده اند.

جدول (۳): شاخص های مرکزی و پراکندگی ابعاد چهار گانه، نگرش نخبگان فرهنگی نسبت به شرایط جامعه مقصد

ابعاد	حجم نمونه	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار
اقتصادی E2	۴۰۵	۵	۱	۵	۳,۹	۴	۴	۰,۸
سیاسی P2	۴۰۵	۴	۱	۵	۳,۸	۴	۴	۰,۸
اجتماعی S2	۴۰۵	۳	۱	۵	۳,۷	۳,۷	۴	۰,۹
فرهنگی C2	۴۰۵	۳	۱	۵	۳,۷	۳,۷	۳,۷	۰,۷
جمع ابعاد چهار گانه EDSC2	۴۰۵	۱۵	۱	۵	۳,۸	۴	۴	۰,۸

جهت سهولت تفسیر مجموع نمرات گویه ها تقسیم بر تعداد گویه شده تا ارزیابی وزن طیف بر اساس (۱ تا ۵) باشد.

آزمون فرضیه های تحقیق

رابطه دو به دو متغیر وابسته (گرایش به مهاجرت و نگرش نخبگان به ابعاد چهار گانه جامعه مقصد و مبدا)

در این بخش به آزمون فرضیه های تحقیق بر اساس مدل نظری تحقیق می پردازیم. ابتدا رابطه دو به دو متغیر وابسته گرایش به مهاجرت و نگرش نخبگان به ابعاد چهار گانه جامعه مقصد بررسی شده است.

جدول (۴): رابطه گرایش به مهاجرت و نگرش نخبگان به ابعاد چهار گانه جامعه مقصد (n=۴۰۵)

ابعاد چهار گانه مقصد	همبستگی	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی (E)	۰,۲۸	۰,۰۰۰
وضعیت سیاسی (P)	۰,۳۲	۰,۰۰۰
وضعیت اجتماعی (S)	۰,۳۴	۰,۰۰۰
وضعیت فرهنگی (C)	۰,۳۵	۰,۰۰۰

هر چقدر نخبگان فرهنگی وضعیت اقتصادی جامعه مقصد را خوب تر ارزیابی کرده اند گرایش به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته بیشتر شده است. سایر متغیرها سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز چنین است. در مجموع هر چهار فرضیه و در هر چهار حوزه شرایط جامعه مقصد به لحاظ آماری معنادار و از نظر میزان همبستگی در حد متوسط قرار دارد.

ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان به شرایط جامعه مقصد

ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان به شرایط جامعه مقصد ضرائب ابعاد چهار گانه (EPSC2) نشان می دهد در هر چهار حوزه این ابعاد از همبستگی بالایی برخوردارند به عبارتی جنبه ها و انگیزه های مهاجرتی در همه ابعاد مرتبط با هم هستند.

جدول (۵): ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه جامعه مقصد (n=۴۰۵)

ابعاد چهار گانه EPSC2	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی
اقتصادی	۱	۰,۹۰**	۰,۷۴**	۰,۷۴**
سیاسی	-	۱	۰,۸۷**	۰,۸۳**
اجتماعی	-	-	۱	۰,۹۰**
فرهنگی	-	-	-	۱

* معناداری سطح ۰,۰۵ ** معناداری سطح ۰,۰۱

جدول (۶): رابطه گرایش به مهاجرت و نگرش نخبگان به ابعاد چهار گانه جامعه مبدا (n=۴۰۵)

ابعاد چهار گانه مبدا	همبستگی	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی (E)	- ۰,۲۸	۰,۰۰۰
وضعیت سیاسی (P)	- ۰,۳۶	۰,۰۰۰
وضعیت اجتماعی (S)	- ۰,۴۰	۰,۰۰۰
وضعیت فرهنگی (C)	- ۰,۴۲	۰,۰۰۰

هر چقدر نخبگان فرهنگی وضعیت اقتصادی جامعه مبدا را بدتر ارزیابی کرده اند گرایش به مهاجرت به کشور توسعه یافته بیشتر شده است. سایر متغیرها سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز چنین است. در مجموع هر چهار فرضیه و در هر چهار حوزه شرایط جامعه مقصد به لحاظ آماری معنادار و از نظر میزان همبستگی در حد متوسط قرار دارد.

ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان به شرایط جامعه مبدا

ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه نگرش نخبگان به شرایط جامعه مبدا ضرائب ابعاد چهار گانه (EPSC1) نشان می دهد در هر چهار حوزه این ابعاد از همبستگی بالایی برخوردار است به عبارتی جنبه ها و انگیزه های مهاجرتی در همه ابعاد مرتبط با هم هستند.

جدول (۷): ماتریس ضرائب همبستگی مرتبه صفر ابعاد چهار گانه جامعه مبدا (n=۴۰۵)

ابعاد چهار گانه EPSC1	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی
اقتصادی	۱	۰,۹۱**	۰,۸۶**	۰,۸۵**
سیاسی	-	۱	۰,۸۷**	۰,۸۹**
اجتماعی	-	-	۱	۰,۹۳*
فرهنگی	-	-	-	۱

* معناداری سطح ۰,۰۵ ** معناداری سطح ۰,۰۱

رگرسیون چند متغیره (تبیین متغیر وابسته)

در این قسمت به تبیین متغیر وابسته گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته می پردازیم و سهم و مشارکت نسبی متغیرها بر متغیر وابسته بررسی می شود. بدین منظور با استفاده از رگرسیون چند متغیره خطی تلاش می شود تاثیر هر کدام از متغیرها تعیین گردد لازم به ذکر است بر اساس چار چوب نظری تبیین متغیر وابسته در ابعاد چهار گانه شرایط جامعه مبدا و مقصد دیده شده است. لذا سهم هر یک از این ابعاد مدل نظری تحقیق را تبیین می کند.

جدول ذیل نشان می دهد بیشترین تاثیر گرایش نخبگان به مهاجرت به ترتیب شرایط فرهنگی جامعه مبدا (B=-0.50)، شرایط اقتصادی جامعه مبدا (B=0.46) و شرایط اجتماعی جامعه مبدا (B=-0.42) می باشد که متغیر فوق به لحاظ آماری معنی داری می باشد در چار چوب کلی می توان گفت شرایط جامعه مبدا به نسبت شرایط جامعه مقصد مهم ترین علل مهاجرت نخبگان فرهنگی

به کشور های توسعه یافته می باشد. ضریب تعیین چند گانه همچنین نشان می دهد ۲۳ درصد علل مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته به ترکیب و مشارکت نسبی متغیرهای چهار گانه شرایط جامعه مبدا و مقصد بر می گردد.

جدول (۸): مشارکت نسبی (رگرسیون چند متغیره) متغیرهای مستقل تحقیق در متغیر وابسته

گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت		
ضرائب B	ضریب B (بتا)	سطح معناداری
-۰,۴۴	-۰,۵۰	۰,۰۰۱
۰,۳۹	۰,۴۶	۰,۰۰۰
-۰,۳۸	-۰,۴۲	۰,۰۱۰
-۰,۲۹	-۰,۳۲	۰,۰۸۱
-۰,۲۶	-۰,۳۰	۰,۰۸۲
-۰,۲۳	-۰,۲۶	۰,۰۹۶
۰,۱۴	۰,۱۶	۰,۲۱۷
۰,۱۵	۰,۱۴	۰,۲۶۱
عرض از مبدا		۰,۰۰۰
ضریب همبستگی چند گانه		-
ضریب تعیین چند گانه		-
آزمون F		۱۴,۵۶

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش تلاش کرده است به دو سؤال محوری پاسخ دهد. اول اینکه گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته چقدر است و در مرحله دوم چه علل و عواملی در مهاجرت آنان موثر است. بر اساس مبانی نظری و چارچوب تئوریک تحقیق، گرایش نخبگان به مهاجرت در ابعاد چهار گانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیده شده است این چارچوب با ترکیب علل و عواملی که در مبانی نظری از دیدگاه ها و رویکردهای مختلف برگرفته و در قالب کارکردهای یک نظام اجتماعی تدوین شده است. به پیروی از رویکرد پارسونز یک نظام اجتماعی تشکیل شده است از این خرده نظام ها، که ضمن داشتن کارکردهای خود، با خرده نظام های دیگر در ارتباط اند عبارتی یک نظام پویا جهت پاسخ گویی به نیاز های یک سیستم اجتماعی الزام می بایست در این چهار حوزه به صورت بهینه ضرورت های کنشگران را برآورده سازد. به تاسی از پارسونز چهار پیش نیاز هر گونه نظام اجتماعی، تطبیق (بعد اقتصادی)، دستیابی به هدف (بعد سیاسی)، یکپارچگی (بعد اجتماعی) و نگهداشت الگو (بعد فرهنگی) است.

در پاسخ به سؤال اول، به طور کلی گرایش نخبگان به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته ۵۶ درصد در حد زیاد، ۲۹ درصد متوسط و ۱۳ درصد در حد کم بوده است. شاخص های مرکزی، میانگین، میانه و نما نیز نشان می دهد تمایل نخبگان به مهاجرت متوسط تا بالا می باشد. در این میان به لحاظ ترکیب جنسیتی مردان بیش از زنان، به لحاظ ترکیب گروه سنی افراد (۳۱ تا ۴۰)، سال بیش از سایر گروه های سنی و به لحاظ ترکیب تحصیلی گروه تحصیلی دکترا بیش از کارشناسی ارشد تمایل به مهاجرت داشته اند. همچنین به لحاظ ترکیب وضعیت تاهل، نخبگان فرهنگی متأهل بیش از مجردها و به لحاظ سابقه کار افراد سابقه کار بالاتر بیش از افراد کم درآمدتر و نیز، به لحاظ رضایت از درآمد، نخبگان فرهنگی ناراضی از درآمد، بیش از افراد راضی از درآمد، گرایش و تمایل به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته داشتند.

همچنین ابعاد چهار گانه شرایط جامعه مبدا نشان می دهد، وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از سوی نخبگان فرهنگی بد و پایین ارزیابی شده است. تمامی شاخص ها مرکزی نشان از ارزیابی بد از جامعه مبدا است و در مقابل ابعاد چهار گانه شرایط

جامعه مقصد (کشورهای توسعه یافته) در چهار بعد خوب و بالا ارزیابی شده است به عبارتی می توان گفت دافعه در جامعه مبدا در سطح بالا و در سطح جامعه مقصد پایین و یا به عبارتی جاذبه در جامعه مبدا پایین و در جامعه مقصد بالا می باشد.

در پاسخ به سؤال دوم، چه عواملی در گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت موثر است. بر اساس چار چوب نظری گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت در پرتو ابعاد چهار گانه نظام اجتماعی دیده شده است که این نظام اجتماعی از چهار بعد خرده نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده است. همچنین این نظام چهار گانه در دو وجه شرایط جامعه مبدا و شرایط جامعه مقصد دیده شده است. بر اساس فرضیات تحقیق گرایش نخبگان به مهاجرت با ابعاد چهار گانه شرایط جامعه مبدا (اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) همبستگی دارند و جهت این همبستگی معکوس و به لحاظ آماری معنادار است به عبارتی هر چقدر نخبگان فرهنگی شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بد و پایین ارزیابی کرده اند، تمایل آنان به مهاجرت بیشتر شده است. همچنین گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت با ابعاد چهار گانه شرایط جامعه مقصد (کشور) توسعه یافته در چهار زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همبستگی وجود دارد و جهت این همبستگی مستقیم و به لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی هر چقدر نخبگان فرهنگی شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مقصد را خوب و بالا ارزیابی کرده اند، گرایش و تمایل آنان به مهاجرت بیشتر شده است.

ماتریس ضرائب همبستگی دو به دو ابعاد چهار گانه شرایط مبدا و مقصد، همبستگی بسیار بالایی را نشان می دهد. به عبارتی این ابعاد چهار گانه در یک سو و مرتبط با هم عمل می کنند. تا حدی گویای این است که انگیزه های مهاجرتی با یکدیگر مرتبط هستند. نهایتا با استفاده از رگرسیون چند متغیره تلاش شده است متغیر وابسته (گرایش نخبگان به مهاجرت) تبیین شود و سهم و مشارکت نسبی هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق تعیین شود. بیشترین عامل موثر بر مهاجرت به ترتیب در مرتبه اول شرایط فرهنگی جامعه مبدا، در مرتبه دوم شرایط اقتصادی جامعه مبدا و در مرتبه سوم شرایط اجتماعی جامعه مبدا بوده است که تمامی این متغیرها به لحاظ آماری معنادار می باشند ضریب تعیین چندگانه نیز نشان می دهد ۲۳ درصد از علل مهاجرت به ترکیب این ابعاد چهار گانه بر می گردد.

منابع

۱. آنتونی گیدنز، (۱۳۷۴)، نظریات جامعه شناسی معاصر، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲. ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۶)، "مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل های مختلف آن در شرایط کنونی" نامه انجمن جامعه مهندسی ایران ۵
۳. جعفری معطر، فریدون (۱۳۸۷)؛ مهاجرت نخبگان، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول: تهران، انتشارات کویر.
۴. حاتمی، علی؛ جهانگیر جهانگیری و سجاد فتاحی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور. زن و جامعه. سال سوم. شماره دوم.
۵. خسرو سلجوقی، (۱۳۷۹) مهاجرت نخبگان علل و راهکارها، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی،
۶. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳) دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی)، چاپ اول، تهران: کویر.
۷. شکرایی، مسعود (۱۳۷۹) دلایل مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور و اثرات آن بر اقتصاد ملی، تهران، مرکز ملی اسناد ایران.
۸. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۵) بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور، مطالعه در دانشگاه مازندران.
۹. طالبی زیدی، عباس علی و جمشید رضایی. (۱۳۸۸). بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰. فصلنامه مدیریت. سال ششم، شماره ۱۶.
۱۰. طایفی، علی (۱۳۷۸)؛ "فرار مغزها یا شکار مغزها"، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل، مشکلات و چشم انداز اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ایران، جهاد دانشگاهی، تهران.

۱۱. طایفی، علی (۱۳۸۰) علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری
۱۲. طایفی، علی (۱۳۸۱)، "بررسی خروج نخبگان از کشور" هفته نامه تحلیلی برنامه، شماره ۹.
۱۳. عسگری، حشمت‌الله؛ مهدی تقوی؛ منوچهر عسگری و عباس شاکری. (۱۳۸۷). بررسی علل فرارمغزها از کشورهای درحال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق). دوره پنجم. شماره ۲.
۱۴. فرتوک زاده، حمیدرضا و حسین اشراقی. (۱۳۸۷). مدل سازی دینامیکی.
۱۵. لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، نوید، شیراز.
۱۶. مدرسی، یحیی (۱۳۹۳) زبان و مهاجرت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. مقدس، علی اصغر زکیه شرفی (۱۳۸۸) بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت های بین المللی جوانان ۳۰-۱۸ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان. مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۱۰
۱۸. نراقی، یوسف (۱۳۸۴) متخصصان مهاجر و ویرترین جذب، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی، علمی نگاه نو - شماره ۶.

1. Bang, J. T & M. (2011). Brain Drain Institutions of Governmence: Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998. Economic Systems. Vol. 35. NO. 3. PP. 335-354.
2. Benedict, O. H. & W .I.UKPERE. (2012). Brain Drain and Development: Any Possible Gain from the Drain? African Journal of Business Management. VOL. 6. No. &. PP. 2421- 2428.
3. Bourhis, Richard Y. & L & others (1997), "Towards and Interactive Acculturation Model: A Social Psychological Approach", International Journal of Psychology, Vol. 32, No. 6, pp. 369-386.
4. De Hass, H. (2010). Migration transitions: A theoretical and empirical in quiry into the developmental drivers of international migration.
5. Giddens, A. (1994) Living in a post traditional society, in U. Retlexive modernization, Politics. Tradition and aesthetic in the modern social order, Cambridge. Polity Press /
6. Lahsae Zadeh, A. (1989); Statements on immigration, Shiraz University (In Persian).
7. Lee Evert (1996); Immigration Laws (Immigration theories), translated by B. Zaree. Navid Publication (In Persian)
8. Lee, E. & M. Moon. (2013). Korean Nursing student's Intention to Migrate Abroad. Nurse Education Today, in press.
9. Lee, S. (1966). A therapy of Migration. Demography. Available at www. Elsevier. Com
10. Leskroof. G. (1969); Hunt and escape of brains , sokhan Journal (in Persian)
11. Mc Ausland, C. & P. Kuhn. (2010). bidding for Brains: Intellectual Property Rights and the International Migration of Knowledge workers. IZA Discussion Papers. No. 4936.
12. Ngoma, A. L. & N. W. Ismail. (2013). The Determinants of Brain Drain in Developing countries. International Journal of Social Economics. VOL. 40. Iss: 8. PP. 744 – 754.
13. Oudenhoven, John Pieter Van & Colleen Ward & Anne-Marie Masgoret (2006), "Patterns of Relations Between Immigrants and Host Societies", International Journal of Intercultural Relations, Vol. 30, pp. 637-651.
14. Panahi, R. (2012). Factors Affecting Brain Drain from Iran. Journal of Basic and Applied Science scientific Research. VOL .2. NO. 3. PP. 3003 – 3015.
15. Payk, "Iran ranks first in brain drain amonge LDC", 26 Dec 2001.
16. Ribeiro, J. S; C. Conceicao; J. Pereira; C. Leone; P. Mendonca; M. Temido; C. P. Vieira & G. Dussault. (2013). Health Professional Moving to ... and from Portugal. Health Policy, In Press.
17. See E. S. Lee, "A Theory of Migration", Demography, (1966), pp. 47-57; and M. P. Todaro, "A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries, American Economic Review, 59 (1969), pp. 138-148.
18. See O. Stark and D. Bloom, "The New Economics of Labor Migration", American Economic Review, 75 (1985), pp. 173-178.
19. Stark. Oded, (2002); The Economics of Brain Drain Turned of Its Head, University of Vienna and University of Bonna, Center for Development Research, Paper NO, 100 (May 2002).
20. World bank (1995), Word Development Report 1995, Washington D.C, U.S.A.